

## عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ جهانی اول تا پایان جنگ جهانی دوم (۱۲۹۳-۱۳۲۴ ش / ۱۹۱۴-۱۹۴۵م)<sup>۱</sup>

مرتضی دهقان نژاد<sup>۲</sup>  
ظریفه کاظمی<sup>۳</sup>

### چکیده

دو جنگ جهانی، که طی سال‌های ۱۲۹۳-۱۳۲۴ ش / ۱۹۱۴-۱۹۴۵م رخ داد، عواقب وخیم و مخربی را هم بر کشورهای محور و هم بر کشورهای دور از صحنه جنگ مانند ایران، بر جای گذاشت. در زمان احمدشاه حکومت مرکزی ایران در برقراری ثبات و امنیت در کشور ضعیف و ناتوان بود؛ به‌ویژه در مناطق جنوبی و فارس به علت دوری از مرکز و حضور نیروهای بیگانه و راهزنی و خودسری ایلات که این مسئله شدت و وضوح بیشتری داشت. با روی کار آمدن رضاشاه و اقداماتی که از سوی حکومت جدید صورت گرفت، وضعیت امنیتی کشور و فارس بهبودی نسبی یافت، هرچند که نارضایتی‌هایی وجود داشت. این پژوهش برآن است تا به بررسی عواملی بپردازد که منجر به عدم ثبات و اقتدار سیاسی ایالت فارس می‌شد که به تجارت آن نیز آسیب می‌رساند.

واژگان کلیدی: ایالت فارس، ایلات، راهزنی، جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم.

---

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۲۵  
۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان  
۳. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه اصفهان  
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱۷  
Email: mdehgannejad@yahoo.com  
Email: kazemi.zarife@yahoo.com

## مقدمه

در خلال سال‌های ۱۲۹۳-۱۳۲۴ش/۱۹۱۴-۱۹۴۵م، جهان درگیر دو جنگ جهانی شد و ایران هم در هر دو بار ناخواسته به اشغال در آمد. ضعف و فقدان حکومت مرکزی منجر به مداخله دولت‌های دیگر شد و دولت‌های خارجی مستقر در ایران با نفوذ در میان طبقات اجتماعی و صاحب منصبان و ایلات به کارشکنی و مداخله در امور سیاسی می‌پرداختند و در فارس، ایلات را علیه حکومت و دولت مرکزی تحریک کردند که همین امر مصایبی به بار آورد؛ ناامنی و سرقت و راهزنی، بر اثر فقدان قدرت مرکزی، سبب نگرانی تجار و مسافران شده بود و تجارت رو به رکورد می‌گرایید.

## وسعت ایالت فارس

ایالت فارس، در ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م، از جنوب شرقی تا مغرب به موازات سواحل خلیج فارس از جاسک تا زیدون در بهبهان به طول ۱۱۲۸ کیلومتر و از خیرآباد نیریز تا بندر بوشهر، از شمال به جنوب، حدود ۵۰۴ کیلومتر وسعت داشت (نصیری، ۱۳۸۴: ۱). سایکس<sup>۱</sup> بندر میناب را در سال‌های جنگ جهانی اول جزء حوزه ایالت فارس دانسته است، وی در سفری به نواحی جنوب شرقی ایران از رودخانه "دزدی" و مکان "برینتی"، نام برده و آنها را جزء ایالت فارس دانسته است (سایکس، ۱۳۶۳: ۳۲۳-۳۲۴). بندرعباس در ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م، در محدوده اداری فارس قرارداشت و مرکز مهم واردات و صادرات نواحی جنوبی کرمان به شمار می‌رفت (سفیری، ۱۳۶۴: ۳۱). بوشهر نیز در سال‌های ۱۲۹۳-۱۳۲۴ش/۱۹۴۵-۱۹۱۴م جزء ایالت فارس و فاصله آن تا شیراز مرکز ایالت ۲۹۵ کیلومتر و تا بندر لنگه ۶۰۰ کیلومتر بود. این بندر به لحاظ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی طی تاریخ موقعیت ممتازی داشت و همچنان از

## عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۲۹

مراکز مهم کشاورزی و تجاری جنوب است (ملکزاد، ۱۳۳۳: ۷۷؛ میرزایی، ۱۳۸۱: ۶۵). بندر بوشهر کالاهای مورد نیاز شیراز «مرکز ایالت فارس» و مناطق گوناگون کشور را تأمین می‌کرد (سفیری، ۱۳۶۴: ۳۱). بوشهر اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از نظر سیاسی اهمیت ویژه‌ای یافت. حاکم بوشهر را «حکمران کل بنادر و جزایر خلیج فارس» می‌نامیدند که قلمرو او تا بلوچستان ایران گسترده بود. به ویژه از اوایل قرن بیستم، کارگزاری بوشهر با عنوان کارگزاری بنادر و جزایر خلیج فارس بر دو شعبه کارگزاری دیگر، یعنی بندرعباس و بندر لنگه نظارت می‌کرد (آشوری‌نژاد، ۱۳۸۷، ش ۱۰: ۸۳-۱۱۵).

## عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس

### ۱-۱. فقدان قدرت دولت مرکزی

ایران از چند دهه قبل از جنگ جهانی اول بر اثر بحران‌های داخلی و نفوذ دولت‌های خارجی علاوه بر مشکلات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی از استقلال تنها نامی به دنبال خود می‌کشید (فخرایی، ۱۳۸۳: ۱۷۹).

در ۱۶ رجب ۱۳۲۷ق/۱۹۰۹م محمدعلی‌شاه خلع و ولیعهد وی احمدمیرزا به سلطنت منصوب شد. احمدمیرزا سن قانونی نداشت، بنابراین در ابتدا عضدالملک و سپس ناصرالملک نیابت سلطنت او را برعهده گرفتند، اما ناصرالملک در تاریخ ۲۸ شعبان ۱۳۳۲ق/۱۹۱۴م از نیابت سلطنت کناره‌گرفت (سلیمانی، ۱۳۷۸: ۳۷-۴۰).

احمدشاه هفده‌ساله هشت روز پیش از آغاز جنگ جهانی اول در تیر ۱۲۹۳ش/ژوئیه ۱۹۱۴م بر تخت سلطنت نشست و از این پس بدون نایب‌السلطنه حکومت می‌کرد؛ در دوره‌ای که کشور گرفتار تجاوز و ویرانی اقتصادی و شورش‌ها و درگیری‌های داخلی بود،

او فرمانروای ضعیفی از کار درآمد (کدی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). در ۲۵ رمضان مستوفی‌الممالک، اولین صدراعظم احمدشاه قاجار، در حالی کابینه خود را تشکیل داد که فقط ۱۸ روز از شروع جنگ جهانی اول گذشته بود. جنگ موازین موجود را به هم ریخت و ایران را با بحران بی‌سابقه‌ای مواجه کرد و اتخاذ خط‌مشی مشخص را دشوار گردانید (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۰۷؛ اتحادیه، ۱۳۷۱: ۹۱).

احمدشاه در سخنرانی خود در افتتاحیه مجلس، بی‌طرفی ایران را اعلام کرد، اما در واقع دولت قدرت و استقلال لازم را برای حفظ این بی‌طرفی نداشت (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۰۷؛ اتحادیه، ۱۳۷۱: ۹۱). مستوفی‌الممالک در تاریخ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۳۲ق/اول نوامبر ۱۹۱۴م، به صدور فرمانی به نام شاه مبادرت ورزید که طی آن بی‌طرفی رسمی ایران را در جنگ اعلام داشت (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۴۲)، اما آنها در وضعی نبودند که بتوانند از بی‌طرفی خود در برابر قدرت‌های متخاصم دفاع کنند (اسکرین، ۱۳۶۳: ۲۴). اقدامات نظامی اولیه بریتانیا و روسیه و تعرض واحدهای عثمانی به خاک ایران به این معنی بود که بی‌طرفی ایران، پیش از رئیس‌الوزرای مستوفی‌الممالک (در ۲۵ رمضان ۱۳۳۲) و اعلام بی‌طرفی ایران (در ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲)، نقض گردیده است (آوری، ۱۳۶۹: ۳۴۹). دولت مرکزی زمان احمدشاه قاجار وضعیت نومیدکننده‌ای داشت، چنان که طی ۱۲ سال، ۱۲۸۸-۱۳۰۰ش/۱۹۰۹-۱۹۲۱م، بیش از پنجاه بار کابینه تغییر کرد (فوران، ۱۳۸۷: ۲۹۷).

در پی آشفتگی ناشی از ضعف دولت مرکزی و نفوذ انگلیسی‌ها در ایران و بحران اقتصادی، سرکشان در هر گوشه شوریدند و هر یک حکومتی در داخل حکومت ایران تشکیل دادند؛ از جمله در جنوب صولت‌الدوله قشقایی مدعی خودمختاری بود (سلیمانی، ۱۳۷۸: ۴۴). سایکس در مورد حکمرانان ایران چنین نظر می‌دهد: «مادام که

### عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۳۱

هر حاکمی در ایران خود عملاً یک دزد و راهزنی بیش نبوده و هیچ‌گونه کوششی برای بهبود اوضاع اتباع خود نمی‌کند افزودن امنیت مخصوصاً برای طبقه حاکمه که خون ملت را می‌مکند سود بیشتری دارد» (سایکس، ۱۳۷۰: ۶۷۸).

اغتشاشات داخلی و ضعف دولت سبب عقب افتادن انتخابات ولایات می‌شد، چنان‌که وقتی در مجلس درباره اغتشاشات فارس مذاکره می‌کردند، گفتند شش ماه است هنوز انتخابات صحیح در شیراز نشده است. گاه وکلا دولت را به علت ناامنی و اغتشاش در کشور استیضاح می‌کردند، ولی چندان نتیجه‌ای نداشت، چون دولت در فرونشاندن قیام‌ها و اغتشاشات محلی درمانده بود. در این زمان چنان دخالت دولت‌های روسیه و انگلیس در امور داخلی ایران گسترش یافت که در انتخابات اعضای کابینه‌ها و بعضی حکومت‌ها مستقیم دخالت می‌کردند، زیرا رقابت دیرین این دو قدرت پس از انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ فروکشید (اتحادیه، ۱۳۷۵: ۱۲۲). پس از آغاز جنگ جهانی اول، انگلیس و روسیه قرارداد ۱۹۰۷ را لغو کردند، در این قرارداد ایران را به سه بخش شمالی، جنوبی و مرکزی تقسیم کرده بودند که منطقه مرکزی بی‌طرف و متعلق به حکومت بود. پس از لغو آن، قرارداد ۱۹۱۵ را منعقد کردند و ایران را این بار به دو بخش شمالی و جنوبی، بدون در نظر گرفتن حق حاکمیت ایران منقسم کردند (سلیمانی، ۱۳۷۸: ۴۱).

پس از جنگ جهانی اول، دولت انگلیس مقدمات قرارداد دیگری را فراهم کرد که به تصویب نرسید، طبق قرارداد مهم ۱۸ مرداد ۱۲۹۸ ش/ اوت ۱۹۱۹ م، ایران از نظر نظامی، اقتصادی و سیاسی تحت کنترل کامل انگلستان قرار می‌گرفت. از مواد این قرارداد بدین شرح است:

۱. لوازم و تسلیحات نظامی مورد نیاز ارتش ایران را تهیه کند و یک کمیته نظامی، برای اجرای رفورم در ارتش تشکیل دهد.

۲. به دولت ایران در توسعه راه‌ها کمک کند.

۳. گمرک ایران را در اختیار بگیرد (الهی، ۱۳۶۱: ۲۰-۲۱).

فارس قدرت مقاومت با قشقائی‌ها، به رهبری صولت‌الدوله را نداشت و همچنان قدرت رئیس این ایل افزایش می‌یافت، در حالی که حامیان او از حیث عده دو برابر می‌شدند و از ملاکان تقاضای پرداخت پول و آذوقه می‌کردند. اگر ملاکان در برابر باج خواهی آنان تسلیم نمی‌شدند، قصبه‌شان غارت می‌شد. عده کمی از بزرگ‌زادگان ایرانی از این حقایق آگاه بودند، به نوشته سایکس، دولت ایران کوششی برای رفع این معضل نکرده بود (سایکس، ج ۲، ۱۳۷۰: ۶۷۵). ناامنی در ایران از موانع اصلی توسعه بود که در همان دوره بسیاری از متفکران ایرانی را برای خروج از آن وضعیت به فکر واداشت و سرانجام تلاش‌های نیروهای خارجی اندیشه دولت مقتدر را به کرسی نشاند (نورائی، ۱۳۸۳، ۱۵۱-۱۸۲).

در پی گسترش اقتدار دولت مرکزی از ۱۳۰۰ش/۱۹۲۲م به بعد، جاده‌ها امن‌تر و راهزنی کمتر شد و هزینه حمل و نقل و خطر تجارت کاهش یافت، امنیت خود عامل مهمی برای گسترش تجارت در ایران عصر رضاشاه شد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۳۵؛ اخوت، ۱۳۸۶: ۸۳). اما همچنان خبر ناامنی و سرقت از گوشه و کنار به گوش می‌رسید.

سقوط پی‌درپی دولت‌ها و شرایط بی‌ثباتی سیاسی موضع انگلیس را در خلیج فارس محکم‌تر ساخت. با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی، اقدامات دولتمردان ایران برای اعاده حاکمیت بر بنادر و جزایر خلیج فارس آغاز شد و تیمورتاش و دیگر سیاستمداران عصر، برای تثبیت موقعیت ایران در خلیج فارس، دست به اقداماتی زدند. در این میان عده‌ای از سیاستمداران ایرانی، که برای حفظ موجودیت ملی ایران تلاش می‌کردند، اسیر قدرت‌طلبی و استبداد رضاشاه بودند و نمی‌توانستند از توان خود در جنگ روانی و

### عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۳۳

دیپلماتیک بهره‌مند شوند. رفته رفته وضعیت داخلی ایران با گسترش شورش عشایر جنوب نابسامان شد و همین امر بخش عمده‌ای از نیروهای نظامی را به خود مشغول کرد. تغییرات سیاسی منطقه‌ای و جهانی نیز به نفع ایران نبود؛ توسعه‌طلبی روزافزون شوروی و سپس آلمان در خاورمیانه طمع دولت انگلیس را برانگیخت و هر عملی در ایران به نفع قدرت‌های رقیب به بهانه تبلیغ و هواداری از کمونیسم مورد تهاجم قرار می‌گرفت (وثوقی، ۱۳۸۴: ۴۲۵-۴۵۴).

در سال‌های جنگ جهانی دوم، حمل و نقل منحصراً تحت نظارت متفقین بود و فقدان امکانات و نظارت اجرایی مانع توزیع اجناس در داخل کشور شد و در نتیجه تجار برای حمل و نقل اجناس خود رشوه‌های فراوان می‌دادند. این نوع فساد به تورم اقتصادی افزود (سلیمانی، ۱۳۷۸: ۱۶۲). حضور سربازان انگلیسی در سراسر کشور حاکمیت و استقلال ایرانی را به طور کلی از میان برد. اوضاع از فقدان وحدت ملی، تضاد سیاسی، آشفتگی و فقر اقتصادی، ناامنی، فساد و بی‌کفایتی اداری حکایت می‌کرد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۱۹). پس از رضاشاه سیستم ارتباطی دچار اختلال و امنیت جانی و مالی مردم در معرض تهدید بود، دزدان و راهزنان که از ترس رضاشاه قدرت قد برافراشتن و آشوب نداشتند، دوباره اوضاع را بر وفق مراد دیدند، در شهرها و راه‌ها و گردنه‌ها ظاهر شدند و مسافران و حتی کامیون‌های دولتی را تاراج می‌کردند (سلیمانی، ۱۳۷۸: ۱۵۲).

#### ۲-۱. سرقت و راهزنی

به اعتبار منابع و خبرهای درج شده در نشریات و روزنامه‌های آن عصر، در راه‌های اصلی و فرعی، سرقت و راهزنی ساکنان و تجار را نگران می‌کرد. جنوب و فارس از این

بحران مصون نبودند. در جنگ جهانی اول بندر بوشهر محل تخلیه کالاهای وارد شده از خارج باز بود، اما حفاظت از امنیت منطقه تحت نفوذ انگلیسی‌ها (پلیس جنوب) اداره می‌شد. بسیاری از تجار می‌توانستند کالاهای خارجی را از این بندر وارد ایران و از طریق شیراز به پخش آن در سراسر کشور اقدام کنند (اخوت، ۱۳۸۶: ۸۳). اکثر راه‌ها و خطوط ارتباطی ناامن بودند و زیر سیطره قطاع‌الطریق قرار داشتند، بنابراین حمل و نقل خاوروبار را دشوار کرده بود؛ انگلیسی‌ها، به علت حضور ایلات سرکش و راهزنان و رقبا، منافع خود را در معرض خطر می‌دیدند و حکومت مرکزی نیز از برقراری ثبات در ایالات جنوبی ناتوان بود. مسئولان باربری انگلیس به علت خطر دزدان و خوانین انگالی و چاه کوتاه در راه شیف بر آن شدند که در ابتدا مسیر احمدی در شش فرسنگی بوشهر را برای فعالیت‌های تجاری خود انتخاب و از این راه محافظت می‌کنند تا منافعشان به خطر نیفتد (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۱۷؛ سدیدالسلطنه، ۱۳۷۱: ۸۶).

در ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م، مکاری‌ها در ده شیخ بسته شدند و تاجران به علت قتل و غارتی که در آن مسیر صورت گرفت، اعلام کردند تا راه‌ها امن نشوند، حاضر به حمل مال‌التجاره نیستند و به دنبال آن چند تن از تجار به حضور حکمران ایالت رفتند (ستاره ایران، ۱۳۰۱، تعطیلی مکاری‌ها، ش ۱۶۰: ۲). در حبل‌المتین سال ۱۳۴۳ق/۱۹۲۵م، نقل شده است: «از حیث ناامنی، بین بندرعباس و لار طرق و شوارع و عبور مال‌التجاره مسدود است، چون قوافل مبتلا به دستبرد سارقین شده چند نفری از مکاری هم مقتول و مال‌التجاره کلی را غارت کرده‌اند از طرف تجار لار و عباسی منع حمل و نقل شده» (حبل‌المتین، ۱۳۴۳ق، بندرعباس، ش ۱۱: ۷). ناامنی و راهزنی در راه‌های فارس حاکم بود، سایکس از فردی به نام شیخ حسین یاد کرده است که مدت‌ها حکومت بوشهر را

### عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۳۵

درخور توجه نمی‌دانست و دائماً در جاده بازرگانی راهزنی می‌کرد و سرانجام پلیس جنوب وی و پسرش را در ۲۰ ژوئیه ۱۹۲۰م می‌کشد (سایکس، ج ۲، ۱۳۷۰: ۷۲۹).

به اعتبار منابع، در ایالت فارس ایلاتی نظیر قشقایی و بهارلو، از ایلات خمسه، هیچ فرصتی را برای غارت و چپاول شهرها و کاروان‌ها از دست نمی‌دادند. قافله‌هایی که از حوزه این قبایل حرکت می‌کردند، باید به خوانین منطقه باج می‌پرداختند، در غیر این صورت غارت می‌شدند (دهقان نژاد، ۱۳۷۹، ۱۴۱-۱۵۸). کاروان‌های تجاری همواره طی مسیر در معرض خطر حمله سارقان بودند. در ۱۳۰۱ ش/۱۹۲۲م، کاروانی که از بوشهر به شیراز می‌رفت، با راهزنانی مواجه شد که پس از درگیری یک تن را کشته و ۶ بار مال‌التجاره را سرقت کردند (ستاره ایران، ۱۳۰۱، حمله سارقین، ش ۱۵۶: ۲)، بنابراین تاجران و مسافران کمتر سفر می‌کردند. به گزارش امنیه کازرون، دسته‌ای از سارقان در حوالی آنجا که مشغول شرارت و سرقت اموال مردم و مال‌التجاره بودند، دستگیر شدند و عده‌ای گریختند. اموال مسروقه اخذ و به صاحبان مسترد شد (اطلاعات، ۱۳۰۶، استرداد اموال، ش ۲۵۴: ۳). حضور اشرار و راهزنان مانع از راهسازی مسئولان می‌شد و در کارشان وقفه می‌انداخت، چنان‌که در ۱۳۰۶ ش مهندسان راهی که در فاصله شیراز به بوشهر مشغول بودند به علت مزاحمت اشرار شکایت کردند. پس از رسیدگی به شکایت آنها، اشرار آن منطقه تحت تعقیب قرار گرفتند و قلعه آنها تصرف و خراب شد، اما دو تن از مجرمان گریختند و پس از مدتی یکی از آن دو به نام فتح‌الله‌خان، خود را به امنیه معرفی کرد و اوضاع منطقه آرام گردید (اطلاعات، ۱۳۰۶، امنیت راه، ش ۲۷۴: ۳).

سرقت و راهزنی دامن مأموران دولت را نیز گرفت و خطر جانی و مالی آنها را تهدید می‌کرد، از این‌رو از مسئولان جلوگیری از حملات بعدی یاغیان را خواستار شدند (مرکز اسناد ملی ایران، ۱۳۲۲: ۱۲۰۵۸-۲۴۰۰). امنیت فارس متزلزل بود و هر روز این آتش

مهیب در گوشه‌ای زبانه می‌کشید و جاده‌های فارس محل راهزنان و سارقانی شده بود که اموال مسافران و رهگذران به تاراج می‌رفت (پارس، ۱۳۲۳، امنیت متزلزل، ش ۲۴۹: ۲). شهر لار واقع در مسیر تجاری جنوب، به علت وجود راهزنان و سارقان در ۱۳۲۳ ش/۱۹۴۴ م، ناامن و منجر به نگرانی شده بود و توجه مسئولان وقت را می‌طلبید (مرکز اسناد ملی ایران، ۱۳۲۳: ۱۳۲۳: ۲۴۰۰۱۰۴۱۴). ناامنی و ناآرامی در جنوب فقط برای اهالی فارس نبود، برای مثال عده‌ای از یاغیان مسلح اطراف بهبهان به محدودهٔ برازجان رفتند و آنجا را ناامن کردند (کیهان، ۱۳۲۴، ناامنی، ش ۶۵۰: ۳).

در ۱۲۹۳-۱۳۲۴ ش/۱۹۱۴-۱۹۴۵ م، ایران وضعیت اقتصادی دشواری داشت، کمبود و گرانی اوضاع را نابسامان می‌کرد، در چنین شرایطی مسائلی نظیر سرقت مال‌التجاره به وخامت اوضاع و نگرانی تجار و مردم می‌افزود. در شماره‌های متعدد نشریات این سی سال، گزارش‌های متعددی از سرقت در فارس ثبت شده است و کالاهای مسروقه از کالاهای ضروری و مایحتاج زندگی روزمره مردم شمرده شده‌اند؛ اغلب کالاها چای، گندم، جو، برنج و قند بود. برخی از سرقت‌ها به انجام نمی‌رسید و مأموران دولت موفق به کشف محموله‌های سرقتی و دستگیری سارقان و حاملان اجناس می‌شدند. در آذر ۱۳۲۱ ش/۱۹۴۲ م، به کامیونی حامل صندوق‌های چای در جادهٔ شیراز- بوشهر در منطقهٔ کتل دختر، مسلحانه حمله کردند که معادل ۳۰ هزار تومان ارزش پولی مقدار چای دزدیده شده بود (پارس، ۱۳۲۱، سرقت چای در کتل دختر، ش ۴۳: ۲). در هنگام برخورد سارقان مذکور با قوای دولتی یکی از آنها کشته شد و بقیه دستگیر شدند (پارس، ۱۳۲۱، سارقین چای، ش ۴۵: ۲).

از علل سرقت و راهزنی در آن دوره را می‌توان کمبود غله و مواد غذایی دانست، چون طی این سی سال ایران با مسائل دو جنگ جهانی و آفت در مزارع مواجه شده بود،

### عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۳۷

زوال محصولات و کمبود ارزاق و گرانی غله و به‌طور کلی قحطی ایران را فرا گرفته بود (چهره‌نما، ۱۳۳۲ق، شیراز، ش ۱۴: ۱۱؛ عیسوی، ۱۳۶۹: ۵۹۱). جکسون که مسیر اصفهان به سوی شیراز را طی کرد، چنین نوشت: «برای رسیدن به تخت جمشید ما به سوی جنوب، یعنی به سوی مرودشت روان شدیم. جاده ابتدا از میان یک تنگه کوهستانی می‌گذرد که مناظر طبیعی و دلکش دارد، ولی عبور از آن در شب، به علت راه ناهموار و وجود راهزنان، خطرناک است» (جکسون، ۱۳۶۹: ۳۴۳).

#### ۱-۳. ایلات

ایلات و عشایر از مسیر کوه‌ها و دره‌ها و کوره‌راه‌های آن آگاه بودند، با این آگاهی عده‌ای از ایلات و عشایر به علت فقر و قحطی و بی‌سروسامانی گاهی راهزنی می‌کردند و اموال مردم، به‌ویژه کاروانیان و بازرگانان را به غارت می‌بردند؛ گاهی هم سر به شورش برمی‌داشتند و دولت‌های وقت را با ادعای خودمختاری و استقلال‌طلبی دچار بحران می‌کردند (قاضی، ۱۳۷۲: ۱۶۵). جاده‌هایی که به سمت جنوب از میان قبایل لر و عرب می‌گذشت خطر بیشتری داشتند، زیرا به لحاظ اقتصادی این راه‌ها حائز اهمیت بودند (نورانی، ۱۳۸۳، ۱۵۱-۱۸۲).

فارس در آستانه جنگ جهانی اول منطقه گسترده‌ای از جنوب ایران را در بر می‌گرفت و حکومت مرکزی در این ایالت نفوذ چندانی نداشت. درگیری دو ایل قشقایی و خمسه بر عملکرد والیان فارس تاثیر گذارده بود. هر والی که به ولایت فارس برگزیده می‌شد، باید انتظارات رؤسای دو ایل مذکور را برآورده می‌ساخت؛ در غیر این صورت بحران ایالت فارس را فرا می‌گرفت؛ تجربه دست‌کم سه حاکم فارس، به ترتیب سهام‌الدوله (۲۹-۱۳۲۸ق) و نظام‌السلطنه مافی (۳۲-۱۳۳۱ق) و مخبرالسلطنه (۳۳-

۱۳۳۰ق) گواه این مدعاست (مطهری‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۱). ایلات مقیم فارس ایل قشقایی و ایلات خمسه و ممسنی بودند و عشایر بویراحمدی در شمال استان فارس تابستان را می‌گذراندند (ترکمان، ۱۳۶۵: ۶۱). در جنوب قبایل دیگری زندگی می‌کردند که در مناطق احمدی، دشتی، برازجان، چاه‌کوتاه، زیره و دالکی مستقر بودند. قبایل این مناطق وحدت کامل نداشتند و خان‌های آنها با دولت انگلیس مخالف بودند (سفیری، ۱۳۶۴: ۴۳)، همچنین طایفه حیات داوودی از طوایف اطراف بوشهر بود که آن منطقه را ناامن می‌کرد (مرکز اسناد ملی ایران، ۱۳۱۴: ۲۹۰۰۰۵۹۹۶). زایلر در خاطرات خود نوشته است: «راه اردکان هموارتر بود، اما ضمناً مقر و مأمّن چند طایفه غارتگر بدنام نیز بود، مانند بوئراحمد، کوه گیلویه‌ها و لیسختی‌ها» (نیدرمایر، ۱۳۶۳: ۳۵۱).

### ۱-۳-۱. ایل قشقایی

دو ایل مقتدر: قشقایی به سرکردگی صولت‌الدوله و خمسه به ریاست حبیب‌الله قوام‌الملک، عوامل مؤثری در اوضاع سیاسی به شمار می‌رفتند و دشمنی‌های این دو ایل آشفته‌گی فارس را به بار آورد (مطهری‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۱). قبیله قشقایی ۳۰ ایل داشت، جمعی از آنها از عشایر اصفهان بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۱۸-۲۳) که این نشانگر گستردگی دامنه نفوذ قشقایی‌ها بود. مهم‌ترین طوایف و ایلات آن درشوری، کشکولی، فارسی‌مدان، شش‌بلوکی، صفی‌خانی و گله‌زن اوغری بودند (سایکس، ج ۲، ۱۳۷۰: ۶۷۰). ایل قشقایی ترک‌زبان از مؤثرترین عناصر سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جنوب کشور طی جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم بودند و در گذشته ایلخانی آنان را اداره می‌کرد. ایل بیگی جانشین و دستیار او بود و هر دو حکم خود را از دولت مرکزی دریافت می‌کردند. ایلخان خرده‌خوانین یا کلانتران را برای اجرای اوامر خود و هدایت

### عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۳۹

طایفه‌ها برمی‌گزید و آنها نیز رؤسای تیره‌ها را از بین خانواده‌های سرشناس تیره‌ها انتخاب می‌کردند (میرزایی، ۱۳۸۱: ۱۱۵). ایل قشقایی فاصله ییلاق تا قشلاق را از «ایل‌راه‌ها» طی می‌کردند. ایل قشقایی بخش وسیعی از ایالت بزرگ فارس را برای کوچ‌نشینی خویش انتخاب کرده بود و مهاجرت زمستانی آنها تا گله‌دار، نزدیک خلیج فارس، ادامه می‌یافت و در تابستان در حوالی قمشه (شهرضا) به بختیاری‌ها می‌رسیدند (سایکس، ۱۳۷۰: ۶۷۰).

آنها از مشرق به مغرب با نیریز تا کهکیلویه، از شمال به جنوب با آبادیه تا خلیج فارس، در ییلاق و قشلاق و از غرب و شمال غربی نیز با ایل بختیاری رقیب سرسخت قشقایی‌ها، همسایه بودند و جنگ‌های سختی با آنها داشتند. ایل قشقایی در فارس با ایل خمسه همسایه بودند و هر یک از این دو ایل بزرگ دست‌کم یک سوم این ایالت را در اختیار داشت. با ایل بویراحمد نیز برای ییلاق و قشلاق در بیشتر موارد دارای مسیرهای مشترک بودند. حوزه فعالیت ایل قشقایی طبق تقسیمات فعلی کشور عبارت بود از بخشی از استان اصفهان (شهرستان‌های سمیرم و شهرضا)، بخش اصلی استان فارس و کهکیلویه و بویراحمد، بخشی از استان بوشهر (شهرستان دشتستان و بندر دیلم و بندر گناوه) و بخشی از استان خوزستان (بهبهان، رامهرمز و حومه آن و رودخانه هنديجان) (میرزایی، ۱۳۸۱: ۱۱۷).

سایکس درباره ایل قشقایی نوشته است: «چندین نواحی و بلوکاتی که فارس در آن قسمت شده کاملاً در دست قشقایی‌ها بوده و آنها بدین ترتیب یک جمعیت یکصدهزار نفری از ده‌نشین‌ها را در کنترل داشته‌اند. مطابق رسوم، هر خانواری در این ایل یک مرد جنگی تحویل می‌دهد، اما در حقیقت بیشتر به‌واسطه سختی تهیه خواربار هیچ وقت بیش از پنج‌هزار قشقایی برای جنگ حاضر نبوده‌اند. قشقایی‌ها ۲۵ هزار تفنگ موزر در

تصرف داشتند، به علاوه در موقعی که با ما وارد نبرد می‌شدند مقدار زیادی مهمات در اختیار داشتند» (سایکس، ۱۳۷۰: ۶۷۰). قشقایی‌ها اغلب در فصل بهار از شیراز به سمت شمال برای مراتع سرسبزش کوچ می‌کردند و در پاییز به منطقه کوهستانی بازمی‌گشتند. این کوچ‌های شش‌ماهه چندین هزار خانواری با همه دارایی‌هایشان همواره با ناامنی و غارت‌های بسیار توأم بود، همچنین راه‌های قشقایی با راه‌های خمسه‌ای‌ها یکدیگر را قطع می‌کردند (فن میکوش، ۱۳۷۷: ۱۲۵).

#### ۱-۳-۲. ایلات خمسه

پس از قشقایی‌ها ایلات خمسه (پنج قبیله) در منطقه اهمیت داشتند و احشام خود را در منطقه وسیعی در مشرق منطقه تحت اشغال قشقایی‌ها می‌چرانیدند. این ایلات در زمستان به نواحی بندرعباس و لار و در تابستان به حوالی نیریز و ده بید کوچ می‌کردند. این پنج قبیله عبارت‌اند از باصری، عرب، نفر، بهارلو و اینالو. به گفته سایکس «عرب‌ها، که نصف این ایلات را تشکیل می‌دادند، خود نیز به دو دسته شیبانی و جباره تقسیم می‌شوند. اینان کسانی‌اند که از نجد و عمان مهاجرت نموده‌اند، ولی چهار عشیره دیگر از احفاد ترکان‌اند. زبان عمومی آنها مخلوط با فارسی و ترکی و لری است. از میان قبایل خمسه تنها قبیله باصری علی‌رغم انتساب آنها به ترک‌ها فارسی‌زبان بودند» (سایکس، ۱۳۷۰: ۶۷۳).

در نیمه اول قرن نوزدهم، ایل قشقایی فارس با چند ایلخان مقتدر متحد شد و با پیوستن قبایل کوچک‌تر قدرت یافت و به صورت نیرویی با ۱۲۰ هزار سوار مسلح درآمد. قاجارها برای ایجاد حریفی در برابر آنها در ۱۲۴۰-۱۲۴۱ق/۱۸۲۴-۱۸۲۵م، اتحادیه قبیله‌ای خمسه را تشکیل دادند که ریاست آن را به علی محمدخان، نوه حاج ابراهیم

### عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۴۱

کلانتر با لقب قوام‌الملک، دادند (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۴۱-۴۲). ایلات خمسه هر یک برای خود یک ایلخان داشتند، بلکه قوام‌الملک ایلخان پنج ایل بود، به همین علت مقام و منزلت قوام‌الملک بسیار متزلزل بود و نفوذ چندانی نداشت. سرزمین خمسه‌ای‌ها بیشتر در شمال و شمال شرقی بود و آنها در هر تابستان از برابر شیراز می‌گذشتند و به جلگه‌های مرتفع واقع در جنوب شرقی می‌رفتند (فن میکوش، ۱۳۷۷: ۱۲۵-۱۲۶). سایکس عده ایلات خمسه را در اواخر دوره قاجار ۷۰ هزار نفر می‌داند که می‌توانند در موقع لزوم ۳ هزار نفر را تجهیز کنند «این افراد به خوبی قشقایی‌ها مجهز نیستند و اسلحه‌های مختلف بدون داشتن مهمات زیاد در اختیار دارند. خمسه‌ای‌ها مخاصمه‌گر زائیده شده‌اند. بهارلوئی‌ها مخصوصاً در جاده‌ای که به طرف بندرعباس منشعب می‌شود و از آنجا از کرمان به یزد می‌رود مرتباً راهزنی می‌کردند» (سایکس، ۱۳۷۰: ۶۷۳).

#### ۱-۳-۳. شورش‌های ایلات جنوب

موقعیت کازرون در محور ارتباطی بوشهر - شیراز همواره طمع حکام محلی را برمی‌انگیخت. از ایلاتی که کازرون را جزئی از قلمرو خود می‌شمرد، قشقایی‌ها بودند که در این زمان، از رهبری صولت‌الدوله قشقایی برخوردار بودند و بر سپردن امنیت راه بوشهر- شیراز به وی گردن می‌نهادند؛ این امر خلاف تمایل برخی از حاکمان عرضی راه و نیز عده‌ای از اهالی، به‌ویژه کازرونی‌ها بود که با دست‌اندازی مستمر ایلات در ناحیه کازرون همواره منازعات آشکاری بین آنها برقرار بود. از این‌رو چنین وضعی علاوه بر افزایش نارضایی کازرونی‌ها از وجود حاکم قشقایی برای اهالی این منطقه مصایبی را در پی داشت (مطهری‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۲).

در برخی از شورش‌های ایلات در جنوب دولت‌های خارجی نقش داشتند؛ مانند انگلیس و روسیه که از ضعف قدرت مرکزی ایران استفاده می‌نمودند و با نفوذ در میان اقوام ایران از آنان برای تأمین منافع خود استفاده می‌کردند (دهقان‌نژاد، ۱۳۷۹، ۱۴۱-۱۵۸). اقدامات واسموس، کنسول آلمان در شیراز، در این زمینه حائز اهمیت است. او در ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۳/فوریه ۱۹۱۵، از طریق کشور عثمانی به ایران آمد و به محل مأموریت خود رفت. واسموس تبلیغات و تحریکات خود را در سازمان‌های اداری در ژاندارمری و به ویژه میان عشایر منطقه آغاز کرد (باست، ۱۳۷۷: ۳۷-۳۸). واسموس به علت خصومت میان صولت‌الدوله و قوام‌الملک، صولت‌الدوله را واسطه مذاکرات محرمانه خود و خوانین کازرون و دشتستان کرد. به هر جایی وارد می‌شد اهالی را به جنبش بر می‌انگیخت و پیام‌های مجاهدان کازرون و شیراز را به اهالی تنگستان ابلاغ می‌کرد (سپهر، ۱۳۶۲: ۷۶).

واسموس در تابستان ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م موفق شد که عشایر جنوب را علیه انگلیسی‌ها برانگیزاند. این شورش در بوشهر و شیراز روی داد. واسموس عشایر تنگستانی را وادار کرد که دو بار حملات شدیدی به پادگان بوشهر ببرند، هر دو بار حمله آنها با تحمل تلفات سنگین از هر دو طرف دفع شد. در اکتبر، واسموس توانست با عشایر قشقایی شورش ژاندارمری شیراز را تحت تسلط خود درآورد و به این وسیله ضربه سختی را بر دولت انگلیس در سراسر تاریخ جنگ وارد کند، البته این حادثه بدون خونریزی و تلفات بود (اسکرین، ۱۳۶۳: ۳۱). ورود نیروهای انگلیسی در ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م به جنوب ایران با مقاومت‌های مسلحانه عشایر ایرانی رو به رو شد و همین امر سهم عشایر را در وقایع نظامی و سیاسی ایران افزایش داد. گروه‌های آلمانی که به جنوب ایران اعزام شده بودند قبایل دشتی، تنگستان، دالکی، برازجان، چاه‌کوتاه و احمدی ضد انگلیس را علیه انگلیس

### عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۴۳

شوراندند. از سویی دولت آلمان می‌کوشید تا از طریق نفوذ دموکرات‌های ایران در کابینه و مجلس شورای ملی دولت ایران را علیه انگلیس و روسیه به جنگ وادارد (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۴۵-۱۴۶).

سابقه روابط صولت‌الدوله با انگلیس چندان مساعد نبود. وی قبیلۀ خود را بارها علیه تفنگداران جنوب برانگیخته بود، حتی در آخرین روزهای جنگ جهانی اول شیراز را به اشغال درآورد (غنی، ۱۳۷۸: ۴۰۵-۴۰۶). قشقای‌ها بارها با انگلیسی‌ها جنگ و درگیری داشتند، دفعۀ نخست در سال ۱۳۳۴ق/ ۱۲۹۵ش/ ۱۹۱۶م رخ داد (میرزایی، ۱۳۸۱: ۲۱۹). صولت‌الدوله پس از پایان جنگ، به‌رغم رابطۀ نه چندان خویش با سایکس، توانست موافقت‌نامه‌ای با وی برای تأمین امنیت جاده بوشهر- شیراز منعقد کند (ذوقی، ۱۳۶۸: ۱۷۰). در پی مذاکراتی که در ۲۵ اردیبهشت ۱۲۹۵ در خانه زنیان میان صولت‌الدوله، کلنل گاف و ژنرال سایکس صورت گرفت، صولت‌الدوله در قراردادی رسمی متعهد شد:

۱. با افراد خود راه شاهی را از تنگ ترکان (دو منزلی کازرون) تا دشت ارژن محافظت کند؛
۲. این جاده را از دشت ارژن تا چنار راهدار با همکاری پلیس جنوب محافظت کند.
۳. برای این دو منظور، ۴۵ نفر آماده کند و ماهیانه مبلغ ۵۰۵۰ تومان به او پرداخت شود و این قرارداد حداقل سه ماه استمرار یابد.
۴. ناصر دیوان را به مدت ۶ ماه از کازرون دور نگه دارد و به جای او حاکمی از جانب خود بگمارد.
۵. محمدرضاخان دریسی، از مخالفان سرسخت انگلیس را دستگیر و یا از کازرون اخراج کند.

۶. مسئولیت نظم ایل و پرداخت مالیات را قبول کند و در قبال آن از مقام ایلخانی خود مورد حمایت قرار گیرد.

این پیمان برای انگلیسی‌ها اهمیت بسیاری داشت، زیرا آنها فرصت یافتند تا پلیس جنوب را سازمان‌دهی کنند و خیزش عمومی در حال گسترش را مهار کنند و راه‌های ارتباطی را بسازند و مواضع خود را تحکیم کنند (میرزایی، ۱۳۸۱: ۲۲۲).

فرمانفرما از قراردادی که رونوشت آن را برای دولت فرستاد، انتظار چندانی نداشت و نوشت: «فقط آقای سردار عشایر را می‌خواهند با قوهٔ پلیتیک چندماهه آرام کنند و راه‌ها امنیت پیدا کند تا عده‌ای که دارند و مشغول تعلیم‌اند حاضر شوند». قرارداد حق حاکمیت فرمانفرما را در مقام نمایندهٔ دولت مرکزی بر صولت‌الدوله، چه شخصی و چه رسمی محدود می‌کرد. وی اصرار می‌کرد مبلغی که صولت‌الدوله بابت امنیت راه از انگلیسی‌ها دریافت می‌کند، از طریق حکومت باشد. اگرچه پافشاری فرمانفرما درست بود، اما بی‌حاصل شد (اتحادیه، ۱۳۸۳: ۳۸۵-۳۸۶). جنگ دیگر قشقایی‌ها با پلیس جنوب در ۲۰ اردیبهشت ۱۲۹۷ش/۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م، آغاز شد. رفته رفته قشقایی‌ها پاسگاه‌ها را یکی پس از دیگری تصرف می‌کردند و با عقب‌نشینی نیروهای انگلیسی در ۴ خرداد از ده شیخ، شیراز را محاصره کردند، این بار قیام صولت سند مشروعیت با فتوای سید عبدالحسین لاری داشت؛ وی از علمای شهر خواسته بود تا به کمک صولت‌الدوله برخیزند (میرزایی، ۱۳۸۱: ۲۴۰-۲۴۳).

تلاش رضاخان از وقتی وزیر جنگ شد همه آن بود که به سرکشی عشایر پایان دهد. شاید از زمانی که افسری دون پایه بود، در لشکرکشی علیه قبایل شورشی دریافته بود مادام که کلیهٔ ایلات مغلوب نشوند و یک حکومت بر تمامی کشور فرمان نراند، ایران مستقل به‌شمار نخواهد رفت. مسئله فقط این نبود که عشایر سه چهارم حوزهٔ

#### عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۴۵

جغرافیایی مملکت را در اختیار داشتند و هیچ وقعی بر حکومت مرکزی نمی‌گذاشتند، بلکه عده‌ای دانسته یا ندانسته ابزار قدرت‌های اروپایی شده بودند و به منافع و مقاصد آنها خدمت می‌کردند. کشورهای خارجی از اواخر قرن نوزدهم برای تضعیف حکومت مرکزی یا کاستن نفوذ همدیگر در کشور در دوران جنگ جهانی اول از قبایل گوناگون بهره برده بودند (غنی، ۱۳۷۸: ۳۵۳-۳۵۴). در نامه‌ای که حکومت فارس به وزارت داخله در ۱۳۰۱ش/۱۹۲۲م فرستاد، نوشته شده که صولت‌الدوله را متعهد کرده است امنیت را در طرق و شوارع خاک ایالت فارس از ابتدا تا بوشهر برقرار کند و اگر دیناری از مال‌التجاره تجار کسر شد، موظف به پرداخت آن باشد (اسناد ملی ایران، ۱۳۰۱ ش: ۲۹۳۰۰۳۲۵۸).

از ۱۳۰۴ش/۱۹۲۵م، خاندان پهلوی در ایران روی کار آمد. رضاشاه پهلوی نخست حاکمان و ایل‌های ایران را سرجای خود نشانید و عشایر را به تدریج خلع‌سلاح کرد (افشار، ۱۳۷۸: ۱۱۹). سرکوب نیروی مسلح عشایر و تشکیل و تقویت ارتشی متمرکز و سرکوبگر از جمله هدف‌های نخستین رضاشاه بود (رزاقی، ۱۳۶۷: ۱۷).

در ۱۳۰۷ش/۱۹۲۷م، عشایر جنوب ایران، یعنی عشایر دشتستان و تنگستان ساکن سواحل خلیج فارس، دست به قیام مسلحانه زدند، سپس عشایر ممسنی و بویراحمد علیه رضاشاه طغیان کردند. از بهار ۱۳۰۸ش/۱۹۲۹م، قیام عشایر جنوب سراسر جنوب را فرا گرفت. عشایر قیام‌کننده خواستار لغو حکومت نظامی و فرمانداری نظامی در آن نواحی و استقلال و خودمختاری عشایر و استقرار حکومت ایلخانی قشقایی‌ها و سایر خان‌ها بودند. قیام‌کنندگان خواستار توقف خلع‌سلاح اجباری عشایر و کاستن مقدار مالیات و لغو خدمات اجباری عشایر بودند (امان‌الهی، ۱۳۷۴: ۲۱۲-۲۱۳). در ۱۳۰۸ش شورش گسترده‌ای در فارس رخ داد و در پی آن ابراهیم‌خان قوام، رئیس ایل خمسه و از

دست‌نشانندگان انگلیس، از مقامش عزل شد. رؤسای ایلات این تحول را به‌مثابه شروع خلع سلاح و انقیاد خود تلقی کردند. آنها با سلاح‌های قاچاقی از خلیج فارس مسلح بودند و علیه حکومت مرکزی شوریدند. عشایر قشقایی، که رئیسشان صولت‌الدوله در تهران زندانی بود، شیراز را به محاصره کامل خود درآوردند و ارتباط آن را با سایر نقاط کشور قطع کردند و مقامات دولتی را از خود راندند و انبارهای غله و تریاک را به دست خود گرفتند. تا زمانی که شورش جنوب بر پا بود، ایرانیان هم تحریکات انگلیسی‌ها را در این شورش مؤثر می‌دانستند (زرگر، ۱۳۷۲: ۲۳۵-۲۴۰).

بعد از شهریور ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م، حوزه قدرت و حکومت دولت عملاً محدود به تهران و نواحی جنوب کشور بود. در نواحی جنوب قبایل از اطاعت و دستورات مرکز سر باز می‌زدند. از دشوارترین مسائلی که دولت مرکزی ایران از ابتدای هجوم متفقین در جنگ جهانی دوم با آن مواجه شد، ناآرامی در مناطق عشایری بود. هجوم نیروهای نظامی بیگانه به کشور وجهه و اعتبار حکومت مرکزی را متزلزل کرد، با اعلان ترک مقاومت از طرف دولت هزاران سرباز از سربازخانه‌ها گریختند و سلاح‌ها و مهمات را همراه خود به دورترین نقاط ایران بردند. دولت سران قبایل و عشایر تحت‌نظر و یا زندانی در مرکز را آزاد کرد. این عمل دولت و هرج‌ومرج ناشی از هجوم بیگانگان به ایران، بار دیگر به جاه‌طلبی‌های سران عشایر پر و بال داد، بنابراین خطر بزرگی امنیت کشور را تهدید کرد (امینی، ۱۳۸۱: ۸۱).

خلع رضاشاه در ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م و ورود نیروهای بیگانه به ایران و ناتوانی دولت مرکزی به رؤسای ایلات از جمله ایل قشقایی فرصت داد که در تحکیم موقعیت خویش بکوشند. ناصرخان جانشین پدرش صولت‌الدوله، ایلخان قشقایی، از تبعیدگاهش به فارس بازگشت. باردیگر ایل قشقایی مقام سیاسی و اجتماعی گذشته خود را به‌دست

## عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۴۷

آورد و در ۱۳۲۲ ش/۱۹۴۳م به سرپرستی ایلخان جدید سر به شورش برداشت و از دولت خواست که املاک و دارایی ایل را بازگرداند. دولت سپاهی برای سرکوب آنان به منطقه فرستاد، نیروهای دولتی در ۱۳۲۲ ش/۱۹۴۳م از ایل قشقایی به سختی شکست خوردند و قشقاییان پادگان سمیرم را اشغال کردند و ۲۰۰ ارتشی را به قتل رساندند. سرانجام، دولت تهران توانست با آنان توافق کند و قشقاییان دست از شورش برداشتند (آشفته، بی‌تا: ۱۰۱). در جنگ جهانی دوم مانند جنگ جهانی اول، آلمانی‌ها سعی در نفوذ میان ایلات جنوب داشتند. ناصرخان قشقایی با شولتس هولتس، از اعضای کنسولگری آلمان در تبریز، ارتباط داشت و با سرلشکر زاهدی و ایرانی‌های دیگر زمینه را برای نفوذ بیشتر آلمانی‌ها فراهم می‌کردند. دو دسته جاسوس آلمانی یکی برای تهران و دیگری برای پیوستن به شولتس هولتس در منطقه قشقایی‌ها تعیین شده بودند تا به فعالیت بپردازند (سپهر، ۱۳۵۵: ۷۴).

## نتیجه

استقلال سیاسی ایران در دوره قاجار با وجود قدرت‌های بزرگ، مانند انگلیس و روسیه، که در پی توسعه‌طلبی و نفوذ و مداخله هرچه بیشتر در امور ایران بودند، از بین رفته بود. در زمان احمدشاه به‌رغم اعلان بی‌طرفی ایران، به علت فقدان قدرت و ناتوانی نظامی در حفظ بی‌طرفی، ایران اشغال شد. احمدشاه نتوانست با اقتدار حکومت کند و تغییرات مکرر کابینه‌ها دلیل این نظر است. در ایالت فارس جاده‌های تجاری با ناامنی از طرف یاغیان و ایلات سرکش و با سرقت و راهزنی روبه‌رو بود. پس از سقوط قاجارها و تشکیل حکومت پهلوی، در زمان رضاشاه اقتدار حکومت و امنیت در کشور بهبود یافت.

برخی از شورش‌های ایلات بر اثر تحریک نیروهای انگلیسی و آلمانی رخ می‌داد. در این میان، دولت مرکزی ایران قادر به هیچ اقدام مؤثری نبود، بنابراین مختل شدن امنیت سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی به ویژه تجارت جنوب و فارس را به دنبال داشت.

### منابع و مأخذ

#### الف) اسناد

مرکز اسناد ملی ایران (۱۳۰۱)، اخذ تعهد از سردار صولت مینی بر پرداخت غرامت و حفظ راه‌های فارس - بوشهر ۱۳۰۱ ش، ۲۹۳۰۰۳۲۵۸.

\_\_\_\_\_ (۱۳۱۴)، تعدیات حیات داوودی در بوشهر و اطراف آن، ۲۹۰۰۰۵۹۹۶.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۲)، غارت اموال دولت از سوی طوایف یاغی و تقاضای جلوگیری

از حملات بعدی، ۲۴۰۰۱۲۰۵۸.

\_\_\_\_\_ (۱۳۲۳)، ناامنی حوزه شهرستان لار، ۲۴۰۰۱۰۴۱۴.

#### ب) کتاب‌ها

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۲)، ایران بین دو انقلاب، چ ششم، ترجمه: کاظم فیروزمند و شمس آبادی و مدیر شانه‌چی، تهران: نشر مرکز.

آوری، پیتر (۱۳۶۹)، تاریخ معاصر ایران، ج ۱، چ دوم، ترجمه: محمد رفیعی‌مهرآبادی، تهران: بی‌نا.

آشفته تهرانی، امیر (بی‌تا)، جامعه شناسی ایلات و عشایر، بی‌جا: دانشگاه پیام نور.

اتحادیه، منصوره (۱۳۷۱)، احزاب سیاسی در مجلس دوم، تهران: نشر تاریخ ایران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۵)، مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه، تهران: نشر تاریخ

ایران.

## عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۴۹

- اتحادیه، منصوره و غلامرضا سلامی و اسماعیل شمس (۱۳۸۳)، عبدالحسین میرزا فرمانفرما (زمانه و کارنامه سیاسی و اجتماعی)، چ ۱، تهران: کتاب سیامک.
- اسکرین، کلارمونت (۱۳۶۳)، جنگ جهانی در ایران، ترجمه: غلامحسین صالحیار، بی‌جا: نشر سلسله.
- اخوت، عبدالجواد (۱۳۸۶)، از طبابت تا تجارت (خاطرات یک تاجر اصفهانی)، به کوشش: مهدی نفیسی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- احمدی ری‌شهری، عبدالحسین (۱۳۸۰)، سنگستان، شیراز: نوید شیراز.
- افشار، ایرج (۱۳۷۸)، استان هرمزگان، تهران: هیرمند.
- الهی، همایون (۱۳۶۱)، اهمیت استراتژیک ایران در جنگ جهانی دوم، چ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- امان‌الهی بهاروند، اسکندر (۱۳۷۴)، کوچ‌نشینی در ایران (پژوهشی درباره عشایر جنوب)، چ چهارم، تهران: آگاه.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۱)، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران: صدای معاصر.
- باست، الیور (۱۳۷۷)، آلمانی‌ها در ایران، ترجمه: حسین بنی احمد، تهران: نشر شیرازه.
- ترکمان، منوچهر (۱۳۶۵)، آشنایی با جامعه عشایری ایران، بی‌جا: بی‌نا.
- جکسن، ویلیامز؛ و، ابراهیم (۱۳۶۹)، سفرنامه جکسن (ایران در گذشته و حال)، چ سوم، ترجمه: منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸)، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، چ دوم، تهران: پازنگ.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۷)، اقتصاد ایران، تهران: نشر نی.

## ۵۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

زرگر، علی اصغر (۱۳۷۲)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه: کاوه بیات، بی جا: پروین و معین.

سایکس، پرسی (۱۳۶۳)، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران، ترجمه: حسین سعادت نوری، تهران: لوحه.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۰)، تاریخ ایران، ترجمه: محمد تقی فخر داعی گیلانی، ج ۲، چ پنجم، تهران: دنیای کتاب.

\_\_\_\_\_ (۱۳۵۵)، ایران در جنگ جهانی دوم، تهران: دانشگاه ملی ایران.

سپهر، مورخ الدوله (۱۳۶۲)، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴، چ دوم، تهران: نشر ادیب.

سدیدالسلطنه بندرعباسی، محمدعلی (۱۳۷۱)، سرزمین‌های شمالی پیرامون خلیج فارس و دریای عمان، مصحح: احمد اقتداری، بی جا: شرکت انتشارات جهان معاصر.

سفیری، فلوریدا (۱۳۶۴)، پلیس جنوب ایران (اس.پی.آر.)، ترجمه: منصوره اتحادیه و منصوره جعفری، تهران: نشر تاریخ ایران.

سلیمانی، افشار (۱۳۷۸)، مأموریت‌های دکتر میلسپو در ایران (ریشه‌یابی سلطه استعماری دول خارجی)، اردبیل: قصه‌گو.

عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه: یعقوب آژند، بی جا: گستره.

غنی، سیروس (۱۳۷۸)، ایران برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، چ دوم، ترجمه: حسن کامشاد، تهران: نیلوفر.

فخرائی، محمد جواد (۱۳۸۳)، دشتستان در گذر تاریخ، شیراز: نوید شیراز.

فن‌میکوش، داگوبرت (۱۳۷۷)، واسموس، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، قم: مؤسسه فرهنگی همسایه.

## عوامل مؤثر در فقدان توسعه راه‌های تجاری فارس از آغاز جنگ... ۵۱

فوران، جان (۱۳۸۷)، مقاومت شکننده، چ هشتم، ترجمه: احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

قاضی، نعمت‌الله (۱۳۷۲)، علل سقوط رضاشاه، بی‌جا: آثار.

کاتوزیان، محمد علی (۱۳۸۷)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.

کدی، نیکی‌آر (۱۳۸۷)، ایران دوران قاجار و بر آمدن رضاخان، چ سوم، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.

مطهری‌زاده، موسی (۱۳۸۳)، ناصر دیوان کازرونی به روایت اسناد، تهران: نشر کازرونیه.

ملک‌زاد، علی (۱۳۳۳)، جغرافیای طبیعی و تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران: بی‌نا.

میرزایی، غلامرضا (۱۳۸۱)، قشقایی‌ها و مبارزات مردم جنوب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نصیری طیبی، منصور (۱۳۸۴)، ایالت فارس و قدرت‌های خارجی (از مشروطیت تا سلطنت رضاشاه)، چ دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

نیدر مایر، اسکار (۱۳۶۳)، زیر آفتاب سوزان، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران: نشر تاریخ‌ایران.

### ج) روزنامه‌ها

اطلاعات، سال دوم، ۱۳۰۶ ش.

پارس، سال‌های اول و سوم، ۱۳۲۱ و ۱۳۲۳ ش.

چهره‌نما، سال یازدهم، ۱۳۳۲ ق.

حبل‌المتین، سال سی و دوم، ۱۳۴۳ ق.

ستاره ایران، سال هفتم، ۱۳۰۱ ش.

کیهان، سال سوم، ۱۳۲۴ ش.

د) مقاله‌ها

- آشوری‌نژاد، عباس (۱۳۸۷)، «بررسی علل تأسیس نمایندگی سیاسی امپراطوری عثمانی در بوشهر»، پژوهش‌نامه تاریخ؛ فصلنامه علمی - پژوهشی، سال سوم، ش ۱۰.
- دهقان نژاد، مرتضی (۱۳۷۹)، «ایلات و توسعه نیافتگی اقتصادی ایران در دوره قاجار»، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، ش ۲۲ و ۲۳.
- نورائی، مرتضی (۱۳۸۳)، «راهزنی در جاده‌های ایالت اصفهان و اتباع بیگانه»، زبان و ادبیات - دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۳۶ و ۳۷.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۴)، «سیاست بریتانیا در خلیج فارس در فاصله دو جنگ جهانی»، همایش بین‌المللی خلیج فارس در گستره تاریخ، به کوشش علی اصغر منتظرالقائم، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ج ۱.